



یادداشت‌های پراکنده

سردبیر: چند روز پیش حدود ساعت ۹ شب بود که تلفنی به همکارم شد و او با استرس و شتاب، اداره را ترک کرد. از قرار حدود ساعت ۸ شب که هنوز رفت و آمد در خیابان‌ها جریان دارد، دو موتورسوار جلوی پسر ۲۰ ساله اش را در یکی از محلات ساری گرفته، به زور از او اخاذی کردند و همه پول و وسایلش را به سرقت بردند!! فردا داشتیم موضوع را برای همکار دیگری شرح می‌دادم که گفت: چند روز پیش برادرزاده اش که پسر جوان ۲۳ ساله ایست حدود ساعت ۹ شب سوار ماشینی در بابل می‌شود که در حین حرکت متوجه شد قصد آدم ربایی و سرقت از او را دارند و در اثر سرو صدای زیاد و درگیری، پسر جوان را از خودرو به بیروت پرت کردند که صدماتی هم دید. عصر همین روز یکی از بستگان تلفن کرد و گفت: دو موتورسوار در روز روشن جلوی منزلش در قائم شهر دختری را تعقیب کردند و پس از این که متوجه حضور مردم شدند با زدن دختر، فرار کردند. دوربین مداربسته منزلش از ماجرا فیلم گرفته بود و می‌خواست آن را در اختیار من قرار دهد تا موضوع نبود امنیت اجتماعی رسانه ای شود. دیروز هم دوستی دیگر تعریف کرد: در خیابان فرهنگ ساری دو موتورسوار جلوی سه پسر دانشجو را که دو نفرشان تهرانی بودند و آن دیگری از بستگان نزدیک همین دوستم بود، گرفتند که بعد از خالی کردن جیب آن‌ها، متوجه شدند یکی از دانشجویها کارت بانکی دارد. به زور آن جوانک دانشجو را سوار موتور کردند و از نزدیک‌ترین خودپرداز، کارتش را خالی کردند و بعد پسر را به همان مکان اول برگرداندند و خیلی راحت و در کمال آرامش پی کارشان رفتند! آن‌چه در بالا نقل شد چند نمونه از خشونت‌های اجتماعی در سه شهر مرکزی استان است که در یک هفته گذشته به گوش من رسیده و حتماً اتفاقات بسیاری در مازندران روی می‌دهد که بی خبر می‌مانیم و رسانه ای نیز نمی‌شود. امروزه هیچ انسانی قادر به تامین امنیت کامل نیست، بنابراین در اجتماعی زندگی می‌کند که بتواند با همبازی دیگران امنیت را به حوزه اجتماع برگرداند. حوزه اجتماعی به قلمروهایی از حریم فرد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه است. در همین قلمرو هاست که امنیت فرد حفظ و یا مورد تهدید قرار می‌گیرد. ناآرامی‌های شهری، جرائم اجتماعی (سرقت، بزهکاری، بی‌عفتی)، جرایم جنایی (قتل و جنایت) و آبرو حیثیت افراد قلمروهای بیان شده حوزه اجتماعی اند که بر امنیت اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. آن‌چه که عیان است، این‌که خشونت‌ها و پرخاشگری‌ها در جامعه فزونی یافته است یا حداقل از نگاه رسانه‌ها مفعول نمی‌ماند و بازتاب آن می‌نمایند که درجه اول این خشونت‌ها ریشه در مسائل اجتماعی دارد و اصولاً محصول احساس محرومیت‌های نسبی است. وقتی توقعات در جامعه‌ای بالا برود و در واقع گروه‌های اجتماعی وسایل لازم برای دستیابی به اهداف مورد نظرشان را نداشته باشند، احساس محرومیت غالب می‌شود و تبعاتی به بار می‌آورد. رسانه‌های جمعی هم در روزگار ما روی این موضوع تأثیر بسزایی دارند. وقتی این رسانه‌ها کالاهای و خدمات جدید را تبلیغ و ارزش‌های جدید ایجاد می‌کنند، اگر رسیدن به آنها ممکن نباشد حالت خوبی به وجود نمی‌آید و منجر به خشن بودن فرد و جامعه می‌شود. قدری از این خشن شدن‌ها هم به روش‌های مدیریت و کنترل خشونت اجتماعی برمی‌گردد. هم چنین شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر شرایط روحی جامعه به طور کلی و تک تک افراد آن تأثیر می‌گذارد. وضعیت روحی جامعه هم مثل فرهنگ آن تحت تأثیر شرایط گفته شده، متغیر و بالا و پایین می‌رود. در دورانی که شرایط اقتصادی برای اکثریت افراد جامعه سخت و میزان بیکاری بالاست، نیز در نبود مراکز تفریحی و شادی و شادمانی برای جوانان و نوجوانان باید منتظر خبرهایی از این دست باشیم. به نظر می‌رسد جامعه نسبت به اوضاع اقتصادی معترض است و در این شرایط، به سمت خشونت منحرف می‌شود. در خانواده: پدر و مادر علیه همدیگر، فرزندان و پدران و مادران.

شرح کامل این یادداشت را در پایگاه خبری مازندنومه به نشانی www.mazandnume.com بخوانید

مدیریت بحران یا بحران مدیریت؟



در جریان سیل منطقه کلاردشت آقای استاندار از رسانه‌ها گلایه کردند که عمق فاجعه را آن گونه که باید و شاید پوشش ندادند و اگر این حادثه به درستی منعکس می‌شد اعتباری بیشتر جهت بازسازی عاید منطقه می‌شد. در سایت استانداری در یادداشتی گلایه آمیز به برخی از رسانه‌های استانی آمده است: «وقتی تیزتر برخی رسانه‌ها از قبل آماده است» دوستان روابط عمومی از فضای حاکم بر رسانه‌های استان در زمان وقوع حادثه به شدت گلایه مند. در بخشی از این یادداشت آورده اند: «به نظر می‌رسد ظاهراً برای برخی رسانه‌های بسیار بسیار اندک و محدود چندان تفاوتی نمی‌کند که در برابر یک حادثه، مسوولان و دستگاه‌های اجرایی چه عملکرد و موضعی دارند، آنها از قبل متن‌ها و انتقادهای و حاشیه نویسی‌های خود را آماده کرده اند، حال باید از خود این دوستان پرسید: در زمان وقوع حادثه باید بحران را مدیریت کرد یا بحرانی جدید آفرید؟»

شرح کامل این یادداشت را در پایگاه خبری مازندنومه بخوانید

آقای طاهایی، اجازه بدهید نمایندگان کار خودشان را بکنند

مازندنومه: یادداشت مهمان، شعبان وفايي نژاد:
استاندار مازندران نسبت به جمعی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی که خطاب به رئیس جمهوری سئوال‌هایی را مطرح کردند، الفاظ نامناسبی همچون برخورد ناجوانمردانه، خشنود کنندگان خانم کلینتون و... را به کار برد که این واکنش استاندار جای پایش و آمایش دارد. آقای طاهایی، یادتان هست چندماه قبل زمانی که یکی از نمایندگان مجلس نامه‌ای خطاب به حضرت عالی انشا و از انتصاب مدیری اظهار نارضایتی کرد شما با کمال ناراحتی از دخالت ایشان در حوزه مدیریتی خود شدیداً انتقاد کردید، اما اینک شما ضمن دخالت در حوزه کاری نمایندگان مجلس، آنان را به همراهی با خانم کلینتون و وقت نشناسی و با بی بصیرتی متهم ساخته‌اید؟ آیا این اهانتی آشکار به فهم و شعور نمایندگان مجلس نیست؟ آقای استاندار شما چرا از حمایت حضرت امام (ره) نسبت به تصمیم نمایندگان مردم در عزل بنی صدر که اعتقادی به حمایت و اطاعت از اصل ولایت فقیه نداشت، سخن نمی‌گویید؟ چرا از پیام حضرت امام که فرمودند: مجلس باید در راس همه امور باشد هیچ کلامی بر زبان نمی‌آوردید؟ چرا از پیام حضرت امام (ره) در حمایت از نمایندگان در قطع رابطه با استخبار جهانی حرفی نمی‌زنید؟ اگر شما به حق و حقوق قانونی نمایندگان مجلس اعتقاد دارید چرا نگران سئوال‌های نمایندگان



ترکیب انتخاب و داوران جشنواره این دوره نه یک مستند ساز وجود دارد نه یک اینماتور که درباره این بخش‌ها داوری کند. چرا باید کسانی از بدنه سینما و از حوزه ارکان برای فیلم کوتاه و سینمای مستند تعیین تکلیف کنند؟
۳- پرسش دیگر آن که مدیر اجرایی جشنواره چه سابقه‌ای در حوزه فرهنگی دارد؟ یا این که چرا جشنواره در ۳ روز برگزار می‌شود یعنی از ۲۶ تا ۲۸ مهر؟ چگونه می‌شود آقایان داعیه توسعه جشنواره را دارند در صورتی که هم تعداد آثار شرکت کننده کمتر از دوره‌های گذشته بوده و هم تعداد فیلم‌های انتخاب شده کمتر شده و هم روزهای برگزاری کاهش یافته؟
۴- موضوع نماز و نیایش و دفاع مقدس در جشنواره‌ای با عنوان فرهنگ عامه یعنی چه؟ در صورتی که ما دو جشنواره در ایران داریم با عنوان جشنواره فیلم مقاومت و نماز و نیایش به روایت دوربین که هر ساله به خوبی برگزار می‌شود. این نشان دهنده عدم تمرکز معاونت سینمایی بر جشنواره نیست؟
۵- چرا هیچ گونه مصاحبه و گفتگویی با فعالان فرهنگی استان درباره جشنواره نشده؟ مگر فیلم‌سازان و هنرمندان مازندران سفیران فرهنگی استان در سطح ملی نیستند؟ تازه در ترکیب داوران جشنواره حتی یک مازندرانی هم وجود ندارد.
۶- جشنواره وارش یک بار در سال ۸۲ بین المللی شده بود، اما آقای ابراهیمی - مدیر کل ارشاد استان - پس از گذشت ۹ سال می‌گوید ما خواهان بین المللی شدن جشنواره هستیم پس آن جشنواره‌ای که برگزار شده بود، چه بود؟

«وارش» بند آمد!!

مازندنومه: نوشته زیر را یکی از مخاطبان به نام «نهرنی» فرستاده و ابتدای مطلب نوشته: «مازندنومه به عنوان یک سایت عادل بررسی کند» موضوع به جشنواره فیلم وارش مربوط است که در امروز چهارشنبه در بابل آغاز به کار می‌کند. اگر در پاسخ سئوال‌های این مخاطب، مطلبی از کار بدستان جشنواره برسد آماده انتشار آن هستیم.

هفتمین جشنواره وارش چهارشنبه در بابل برگزار می‌شود اما هیچ سر و صدایی در شهر نیست. روش غیر حرفه‌ای و تبلیغ با بلندگوی وانت، آن هم ۱۲ ساعت مانده به افتتاح یک جشنواره در شهر یعنی چه؟ آیا این حرکت باعث نمی‌شود شان جشنواره‌ای با این سابقه زیر سوال برود؟ از قرار هیچ گونه دعوت‌نامه‌ای برای مراسم افتتاحیه و اختتامیه ارسال نشده و مراسم افتتاحیه‌ای نیز وجود ندارد. وزیر ارشاد هم قرار نیست در جشنواره حضور یابد، در صورتی که مدیران جشنواره این موضوع را در بوق و کرنا کرده‌اند. در لیست فیلم‌های انتخابی نام هیچ فیلمساز شاخصی دیده نمی‌شود. شنیده شده استاندار هم از نحوه برگزاری جشنواره ابراز نارضایتی کرده است. هم چنین می‌گویند اداره کل نظارت و ارزشیابی فیلم‌هایی را که قرار است در جشنواره نمایش داده شود، ندیده و معترض قضیه شده است.

اما چند پرسش:
۱- شهرداری بابل دو بار و در دو دوره مختلف خیابانی را به نام وارش نامگذاری کرده است! با توجه به اینکه نام وارش توسط آقای ملایی رئیس (شهردار اسبق) برای یک خیابان گذاشته شده بود، چرا دوباره پس از گذشت ۹ سال یک خیابان مجدد به نام وارش نامگذاری شده است؟
۲- مشخص نیست چرا سطح هیات داوران جشنواره نسبت به دوره‌های گذشته این قدر ضعیف است؟ سال ۸۲ داورانی چون مهرجویی و زرین کلک و... هم اکنون مهدی پور و هاشم زاده و... که هیچ سابقه‌ای در حوزه فیلم کوتاه ندارند. در

آمادگی مختاباد برای برگزاری کنسرت به نفع سیل زدگان

که مازندران شهر ما یاد باد

سیدعبدالحسین مختاباد:



تماشای تصاویر جانکاه از خانه و کاشانه همشهریان عزیزم، روح و قلب مرا در هم پیچاند و در کنار آن عدم اطلاع رسانی درست رسانه‌ها و خصوصاً رسانه ملی نمکی بیشتر بر این زخم درون افزود. فردوسی بزرگ در ماجرای بر تخت نشستن کیکاووس داستان مازندران عزیز را بدین گونه می‌سراید: :
چو کاووس بگرفت گاه پدر مر او را جهان بنده شد سر به سر همان تخت و هم طوق و هم گوشوار همان تاج زرین ز برجد نگار...
چنین گفت کز شهر مازندران یکی خوشنوازم ز رامشگران...
بگفتا که رامشگری بر درست ابا بربط و نغز رامشگرست بفرمود تا پیش او خواندند بر رود سازانش بنشانند به بربط چو بایست بر ساخت رود برآورد مازندرانی سرود که مازندران شهر ما را یاد باد همیشه بر و بومش آباد باد که در بوستانش همیشه گل ست به کوه اندرون لاله و سنبل ست هوا خوشگوار و زمین پرنگار نه گرم و نه سرد و همیشه بهار...
چو کاووس شنید از او این سخن یکی تازه اندیشه افگند بن دل رزمجویش بیست اندران که لشکر کشد سوی مازندران چنین گفت با سرفرازان رزم که ما سر نهادیم یکسر به بزم اگر کاهلی پیشه گیرد دلیر نگردد ز آسایش و کام سیر...
فزون بایدم زان ایشان هنر جهانجوی باید سر تاجور...
که جمشید با فر و انگشتری به فرمان او دیو و مرغ و پری ز مازندران یاد هرگز نکرد نجست از دلیران دیوان نبرد فریدون بردانش و پرفسون همین را روانش بند رهنمون اگر شایدی بردن این بد بسر به مردی و گنج و به نام و هنر منوچهر کردی بدین پیشدست نکردی برین بر دل خویش پست...
همانگونه که در این "گلچین" از فردوسی حکیم برمی‌آید، انگار فراموشی "مازندران همیشه بهار" رسمی دیرینه در تاریخ ایران زمین از سوی حاکمان بوده، و شوربختانه این سنت ناپخردانه همچنان بر حیات خود لیرمی می‌ورزد.
به راستی اگر نعمات الهی (دریا و جنگل سرسبز) که شوربختانه هر دوی آنها در اثر سوء رفتار عمومی و مدیریتی، در معرض نابودی هستند، نبودند، برای این دیار چه خدمت در خور توجهی از سوی دولت مرکزی صورت عینی به خود گرفته است؟ این جانب به عنوان عضو کوچکی از مردم بزرگ و فرهیخته مازندران عزیز، ضمن اظهار همدردی با حادثه دیدگان این بلای طبیعی از همه مردم ایران بزرگ می‌خواهم که کمک‌های مادی و معنوی خود را نثار حادثه دیدگان نموده و این حقیر نیز "چونان موری که پای ملخی را نثار بارگاه سلیمانی این مردم صبور و بزرگوار می‌نماید" آمادگی خود را برای اجرای چندین کنسرت اعلام می‌نمایم.
یکی چاره باید کنون اندرین که این بد بگردد ز ایران زمین